

# چهارشنبه



## جهش تحولی در شبکه‌های برون مرزی

رئیس رسانه ملی در آیین نخستین سالگرد تأسیس شبکه سحاب، از افتتاح دو شبکه برون مرزی خبر داد

### سقوط فرهنگی با انقلاب حروف

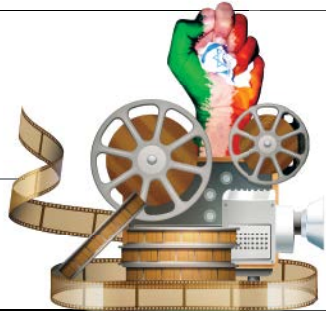
تغییر اجباری خط در ترکیه باعث تأثیرات منفی و ایجاد شکاف نسلی شده است



۱۱ | <

### نبرد فلسطینی‌ها در خاکریز سینما

به بهانه آتش بس در فلسطین سینمای این کشور را بررسی کرده‌ایم



۱۰ | <

### رد پای جوانان موفق در رادیو

ماه بهمن انگیزه مناسبی است برای گپ‌وگفت با برنامه‌سازانی که برای جوان مومن انقلابی برنامه می‌سازند



۶ | <

#### زاویه دید

به انگیزه برگزاری کنگره شعر و داستان ایثار بررسی کردیم

## جلوه‌گری استعدادها در کنگره‌های ادبی



فراوان است، نشانه آن می‌تواند ارسال بیش از ۶۰۰۰ قطعه شعر و داستان به کنگره ملی ایثار باشد که آماری بسیار قابل توجه است. متمرکز شدن نهادهای دولتی بر برگزاری رویدادهای ادبی بزرگ، همه‌جانبه‌نگر و دارای برنامه‌ریزی به جای برگزاری چندین و چند جشنواره بدون برنامه‌ریزی، کوچک و کم‌اثر می‌تواند در بهتر دیده شدن این استعدادها هم مؤثر باشد.

#### اختتامیه، پایان کار نیست

نکته مهم دیگری که باید به‌یاد داشت، این است که جشنواره‌ها و کنگره‌های ادبی در صورتی موفق خواهد بود که به جای نگاه رویدادمحور، فرآیندمحور باشد.



متن کامل

می‌توانند از این منظر، مسیری کوتاه و مناسب برای دیگر رشته‌های هنری باشد که به‌قصه‌ها و شعرهایی دست یابند که ارزش ادبی آنها توسط گروهی از داوران و کارشناسان اهل ادبیات ارزیابی حرفه‌ای شده است. رویدادهای ادبی نباید نتیجه کار خود را در انتشار کتاب برگزیده آثار، خلاصه کنند. انتشار کتاب اگرچه کاری نیکو و قابل تقدیر است ولی باید به عنوان گام نخست مورد توجه قرار گیرد و در مراحل بعدی باید مسئولان برگزاری کنگره‌ها سعی کنند، نتیجه عملکرد خود را به حوزه‌های سینما، تئاتر و موسیقی هم برای ایجاد ارزش افزوده، معرفی کنند.

آمدن گروهی از شاعران و نویسندگان شد که به «شاعران جشنواره‌ای» مشهور شده بودند. این گروه از شاعران، زیست ادبی خود را بر مبنای جشنواره‌ها قرار داده بودند و به هوای به دست آوردن جایزه‌ها، سلیقه داوران جشنواره‌ها را ملاک سرودن شعر خود یا نوشتن داستان‌های شان قرار می‌دادند. این اتفاق، باعث شد که بعد از مدتی شاهد حجم بسیاری از شعر و داستان باشیم که تولد آنها نه بر اساس روند طبیعی تجربه و الهام گرفتن هنرمند، بلکه از مسیری سلیقه‌ای و تحمیل شده از بیرون اتفاق افتاده بود. این مسأله بخصوص آسیب خود را در شعر دفاع مقدس و شعر آیینی نشان داد و به نظر می‌رسد کاسته شدن از حجم بی‌دلیل رویدادهای ادبی در فروکش کردن این موج مخرب در ادبیات مؤثر بوده است.

در ادبیات ما هنوز عطش و علاقه برای ظهور و بروز استعدادها

نهمین کنگره ملی شعر و داستان ایثار این هفته در شیراز در حالی به کار خود پایان داد که این رویداد ادبی در طول چند ماه با برگزاری شب شعرهای استانی در چند استان کشور و کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی به هنرجویان فعالیت خود را به صورت سراسری آغاز کرده بود.

در سال‌های اخیر رویدادهای ادبی مختلفی چون جایزه‌های کتاب، جشنواره‌های مناسبتی شعر و داستان و کنگره‌های ادبی زیادی به صورت مقطعی ایجاد شده و پس از یکی دو دوره برگزاری با تغییر مدیریت‌ها، به محاق فراموشی رفته است. با این نگاه، نفس برگزاری یک رویداد ادبی به صورت پیوسته در ۹ دوره قابل توجه است. به‌خصوص این‌که بدانیم این کنگره در هشت دوره قبلی تنها به شعر محدود بود که در این دوره داستان نیز به آن اضافه شد و قرار است از سال آینده کنگره‌های شعر و داستان از هم تفکیک شود. شاید دلیل اصلی این استمرار این است که مسئولان برگزاری آن از همان نخست برای خود هدفی در راستای وظایف ذاتی سازمانی‌شان تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر، بنیاد شهید به عنوان متولی این رویداد، اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت را جزو وظایف اصلی خود تعریف کرده و بر این مبنا با استفاده از ظرفیت ادبیات، سعی در اجرای این وظیفه داشته است در حالی که بسیاری از رویدادهای ادبی ناکام و تعطیل شده سال‌های اخیر بر اساس پسند و سلیقه مدیران سازمان‌ها و نهاد‌های دولتی ایجاد شده است و وقتی آن مدیر از سازمان رفته، ادامه حیات آن رویدادهای ادبی نیز ممکن نبوده است.



آرش شفاعی گروه فرهنگ و هنر

#### رویدادهای بزرگ به جای جشنواره‌های بی‌برنامه

همچنان که گفتیم در سال‌های اخیر شاهد تولد و البته مرگ جشنواره‌ها و جایزه‌های ادبی زیادی بوده‌ایم. در مقطعی که سازمان‌های دولتی و نهاد‌های وابسته، از نظر بودجه در مضیقه نبوده‌اند، شاهد تورم رویدادهای ادبی بودیم. این امر به جای این‌که به شعر و داستان کمک کند، به عنوان مانعی برای رشد طبیعی ادبیات در کشور، کژکارکرد داشته است. برگزاری بی‌در پی جشنواره‌ها به‌ویژه جشنواره‌هایی که به مناسبت‌های دینی و ملی برگزار می‌شد، باعث به وجود

## زبان ملی، میثاق ملی

«زبان فارسی» نزد ایرانیان افزون بر آن‌که برای بسیاری زبان مادری است و با این زبان سخن‌گفتن آموخته و زبان بازکرده‌اند، زبان فراگیر، میانجی، رسمی و میهنی است؛ زبان فارسی در ساختار نظام‌های سیاسی ایران از گذشته تا حال «زبان ملی» و «میثاق ملی» بوده است. زبان ملی است زیرا همه ایرانیان در تولید محتوای آن نقش داشته‌اند و با این زبان به درک مشترکی از موضوعات می‌رسند. و از آن‌رو که در «اصل پانزدهم قانون اساسی» بر رسمی بودن آن یافشاری شده است؛ «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد، مکاتبات، متون رسمی، کتب درسی باید با این زبان و خط باشد؛ ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

#### نقش تاریخی زبان فارسی

افزون بر جایگاه قانونی، زبان فارسی در ۱۴۰۰ سال گذشته به صورت ناخوشه جایگاهی محوری در بین ایرانیان داشته است؛ ضمن آن‌که در پیش از اسلام هم سنت ایرانیان همین بوده و پاریسی، زبان رسمی بوده و در مناطق مختلف، گونه‌های دیگر زبان‌های ایرانی‌که «فهلویات» یا «پهلویات» می‌گفته‌اند رواج داشته است و قدیمی‌ترین آثار از پهلویات که از خراسان و آذربایجان به دست ما رسیده، گواهی این واقعیت تاریخی زبان است؛ این بدان معنی است که ایرانیان ضمن یافشاری بر تقویت زبان ملی، هیچ‌گاه نخواستند و اگر هم کسی از سر نادانی خواسته، نتوانسته است که زبان‌ها و گویش‌های مناطق مختلف ایران را نادیده بگیرد. حتی در سنت دیرین یکی از باشکوه‌ترین دوران تاریخ ایران، دوره هخامنشیان (۳۳۰-۵۵۰ ق. م) در هرکجا کتیبه‌ای نصب می‌کردند، در کنار خط و زبان پارسی به خط‌های دیگری برای فهم همه مردم می‌نوشتند، به‌همین خاطر است که بیشتر سنگ‌نوشته‌های دوره هخامنشی سده‌ها پس از چندنه‌اند؛ از آن جمله «سنگ‌نوشته خشایارشا در نزدیکی دریاچه وان ترکیه» که بر فراز صخره‌ای در ارتفاع ۲۰ متری از سطح زمین و در نزدیکی قلعه‌ای واقع شده است؛ این کتیبه را در اصل داریوش یکم (۵۲۲-۴۸۶ ق. م) آماده کرده و خشایارشا پس‌ریش در دوران پادشاهی خود آن را تکمیل کرده و به یادگار گذاشته است؛ کتیبه‌ای که ۲۷ سطر و ۳ ستون دارد و به سه زبان «پارسی باستان»، «اکدی» و «عیلامی» نوشته شده است. این گواه روشنی است که در تاریخ فرهنگی ایران، زبان‌های قومی و محلی به‌عنوان ارزش‌های فرهنگی همواره در «کنار زبان رسمی» و ملی زنده بوده‌اند نه «به جای آن» یا «در مقابل آن»؛ چیزی که در قانون اساسی امروز ما هم بر آن تصریح شده است. اصل پانزدهم، اصلی مترقی و

#### جایگاه حقوقی و عنصر وحدت‌بخش

زبان فارسی افزون بر نقش ملی به دلایل تاریخی، فرهنگی و سیاسی «میثاق ملی» است، زیرا فراتر از ابزار ارتباطی به نماد «وحدت ملی» و بخشی از هویت مشترک ایرانیان بدل شده است؛ مردمی که در کنار زبان‌های قومی و محلی خود، با درک درست از زبان مشترک آن را پیونددهنده بین خود و ملت می‌دانسته‌اند. بنابراین زبان فارسی در ایران ما، هم «جایگاه حقوقی» دارد و هم عنصر «وحدت‌بخش» است. روشن است در دوره‌ای که سپهر رسانه تولید محتوا را آسان کرده و سرعت بخشیده، نبودن زبان مشترک و البته قوی در برخی از کشورها باعث بروز اختلاف و گسست قومی و حتی جغرافیایی شده است.

#### تجربه جهانی تضعیف زبان ملی

در کشور «یوگسلاوی» زبان‌هایی چون صربی، کروات، اسلوونیایی، مقدونی و... وجود داشت و گرچه زبان «صربی-کرواتی» به‌عنوان زبان ملی معرفی شده بود اما ناتوانی این زبان و نبودن تعلق و درک مشترک و بی‌توجهی به نقش آن در وحدت ملی و نیز اختلاف مذهبی باعث شد این کشور درگیر تنش‌های قومی، زبانی و جنگ‌های داخلی شود و دست‌آخ‌ترین به‌تجزیه‌بدهد. «سودان» کشوری متحد بود و با وجودی‌که زبان «عربی» زبان رسمی و ملی تعیین شده بود اما چون در «سودان جنوبی» زبان‌های محلی دیگر نیز رایج بودند، ساکنان سودان جنوبی درک مشترکی از زبان عربی نداشتند و نمی‌توانستند با آن ارتباط برقرار کنند؛ در نهایت اختلاف فرهنگی و زبانی به طراحان بین‌المللی تجزیه سودان کمک کرد تا فرآیند تجزیه را فراهم نمایند. داستان تجزیه «پاکستان» از «هند» و «بنگلادش» از پاکستان، سرنوشت زبان در «اتحاد جماهیر شوروی» و نقش آن در فروپاشی، وجود اختلاف شدید و نبودن زبان ملی نزد «بلژیک‌های» «فرانسوی‌زبان» و «هلندی‌زبان» نمونه‌هایی روشنی برای یادآوری خطر تجزیه کشور بر اثر بی‌توجهی به زبان ملی یا نادیده گرفتن زبان‌های قومی و محلی است. براین پایه، تضعیف یا تحریف اصل پانزدهم ق. ا. نه تنها می‌تواند به زبان فارسی آسیب بزند بلکه تهدیدی جدی برای انسجام ملی ایران است. زبان فارسی همچون رشته‌ای ناگسستنی، اقوام و فرهنگ‌های مختلف کشور را به هم متصل کرده و به همین دلیل باید با درک جایگاه تاریخی و فرهنگی این زبان، آن را «میثاق ملی» و امکانی برای تقویت «وحدت و انسجام ملی» بدانیم و از آن پاسداری کنیم.